

گزارش يك مورد عوارض ناشی از استعمال شاق روزمره اثر

سالهاست که از کشف اثر میگردد و آزان، در موارد اعمال جراحی بعنوان ماده بیهوشی دهنده عمومی استفاده شده است. بدون شک متخصصین بیهوشی نیز تحت تاثیر اثر قرار میگرفته اند و اگر قبول داشته باشیم که بیهوش شدن بیمار با اثر یک مسمومیت حاد با اثر باشد باید قبول کنیم که متخصصین بیهوشی دچار نوع مزمن این مسمومیت میباشند منتهی چون این عوارض خیلی زود از بین میروند کمتر در حالات معمولی جاب توجه میکنند بهمین دلیل اگر بطور مداوم استعمال بشود نام مسمومیت مزمن بر آن اطلاق میگردد. در هر حال مطالبی که در زیر بنظر همکاران محترم میرسانم در حقیقت اوبسرواسیونی است از خودم که در نتیجه دوازده سال کار مداوم شبانه روزی میباشد.

از دو سال پیش در خودم بصور زیر اختلالاتی حس میکردم: مدتی گرفتار سرفه های تک تک مزاحمی شده بودم که چون احساس سنگینی هم در حنجره میکردم بچند نفر از همکاران گوش و حلق و بینی مراجعه کردم و تشخیص یک رینوفارنژیت شدید همراه بانزله داده شد که با درمانهای طولانی و دقیق و آنروس بهیچوجه حتی کوچکترین تغییری در مشی آن حاصل نشد بطوریکه خود من هم متعجب بودم که پس چرا خوب نمیشوم. بالاخره از معالجه خسته شدم و از ادامه آن صرفنظر کردم تا به بینم چه میشود. در همین اوان دردهائی از زانو پائین در پاهایم پیدا شد که گاهی آنقدر شدید بود که مجبور باستراحت میشدم. عضلات کاملاً سفت میشدند و کلوریکاسیون انترمیثانات پیدا میکردم. در پی کشف علت، آزمایشات لازم و حتی اسپیلومتری انجام شد به نتیجه نرسیدم و سنگینی عضلات ساق پا و درد مبهم آزار دهنده آن همانطور باقی بود و روحیه مرا کم خراب میکرد. باز همزمان با این ناراحتی پا که باخستگی و کوفتگی شدید تمام عضلات بدن همراه بود دائماً مراد در حال رخوت و خواب آلودگی نگهمیداشتم دچار میگرن هم شدم یعنی هر روز پس از کار روزانه درست از ساعت یک، بعد از ظهر نیمه راست سرم درد میگرفت و با هیچ مسکنی هم بهبودی نمی یافت تا اینکه پس از خواب شبانه دیگر اثری از آن نمیدیدم (یعنی پس از چند ساعت

مجاور نبودن با اثر) ضمناً ضعف عضلانی آنقدر شدید بود که موقع اصلاح صورت نمیتوانستم تمام صورت مرا یکسره بافرچه صابون بزنم ناچار چند لحظه دستم را پائین میآوردم که رفع خستگی شده باشد و دوسرتبه صابون میزدیم. علامت جالب دیگری که در من پیدا شد تغییر دید من در مدت روز بود. چشم من میوپ و استیگمات است و عینک بکار میبرم وقتی متوجه شدم که عینکم مناسب نیست، بهمکار چشم پزشکم مراجعه کردم و ایشان با مراجعه بسوابق قبلی تعجب کردند که اینهمه ضعف عضلانی در چشم من غیرطبیعی است و اول ایشان بودند که توجه دادند که شاید این ضعف با کار من بستگی داشته باشد. باری عینک عوض شد و پانزده تازہ آنرا بکار بردم ولی باز گاهی آنرا مناسب و گاهی نامناسب پیدا کردم تا اینکه متوجه شدم که صبحها با عینک ناراحت و عصرها خیلی راحت (نمره عینک در ساعات اول شب تعیین شده بود) ضمناً چندین بار اتفاق افتاد که من بلافاصله پس از اینکه بمریضی با اثر قطره قطره بیهوشی میدادم فوراً میگردن شروع میشد بطوریکه من حتی ثانیه شروع آن را نمیتوانستم تعیین کنم. بهمین صورت بود اسپاسم عروق و انقباض عضلات ساق پایم. وقتی چند روزی بعلت کسالتی ناچار به ترک کار تخصصی ام بودم و یا کمتر کاری کردم و یا از مرخصی و استراحت اجباری استفاده میکردم پس از آن از هیچکدام آن عوارض اثری نبود نه از سرفه های تک تک مرطوب مزاحم، نه از سنگینی حنجره نه از درد پاها نه از ضعف عضلات و نه از ناراحتی دید. بطوریکه همان عینک قدیمی را باز استعمال میکردم. این بهم بستگی علت و معلول که هر دفعه بصورت یکسان هویدا میشد آنقدر واضح شد که مرا متوجه نوعی عوارض اثر بعد از استنشاق روزه کرده.

این شرح حال خودم بود که نوشتم و پس از تلاش فراوان در عرض چند سال به نتیجه فوق رسیدم و یامید اینکه برای مطالعات بعدی (که البته حتماً باید روی همکاران متخصص بیهوشی و توسط خودشان انجام گیرد) جلب نظر همکاران محترم را کرده باشم این علائم را مجدداً به ترتیب بروز آنها درجه بندی کرده و فرجه را که پیدا کرده ام باره احتراز از بروز آنها بصورت جدولی در زیر عرضه مینمایم.

الف- اتیولوژی: پرکاری - مجاور بودن دائم با اثر بعلت استعمال آن بصورت قطره قطره یا بسته نبودن سیستم بیهوشی - استفاده نکردن از مرخصی - نداشتن استراحت در شبانه روز برای مدت معین.

ب - علائم: ۱- ابتدا یک رینوفارنژیت همراه با نزله و احساس سنگینی لارنکس و سرفه های مداوم تک تک مزاحم و عصبانی کننده.

- ۲- دردهای نامرتب ساق پا همراه باسفت شدن و گرفتگی عضلات درحین راه رفتن که بااستنشاق اتر خیلی خوب موقع بروز آن قابل تشخیص است.
- ۳- میگرن که آنهم وقتی مدتی ازروز میگذرد که باندازه کافی اتر استنشاق کرده باشیم شروع میشود و باچند ساعت دوربودن اتر خودبخود خوب میشود.
- ۴- در مراحل پیشرفته میاستمی که بصور گوناگون تظاهر میکند از قبیل خستگی خیلی زودرس و غیرطبیعی، اختلالات در دید چشم و غیره.
- ۵- همراه با این علائم یکسری علائم روانی که در حقیقت مشایعین علائم بالا هستند پیدا میشود از قبیل عصبانیت، بی‌حوصلگی و غیره.
- ج - پرونوستیک: هنوز مدت برای مطالعه و روبرو شدن با آتیه این عارضه کافی نیست و نمیدانم اگر درمان انجام نشود و عوامل تولید کننده بقوت خود باقی بمانند عاقبت یکجا خواهد انجامید و این بعهدده همکاران آینده است که این مطالعات را ادامه دهند و به نتیجه برسانند.
- د - درمان: خوشبختانه من تجربتاً دیدم که حتی با ۸ ساعت استراحت بمعنای ترك کار بیهوشی و استنشاق نکردن اتر، این عوارض در حدود ۰.۹٪ تخفیف پیدا کرده و از بین رفته‌اند.
- ه - پیش‌گیری: (که باید برای آن اهمیت خاصی قائل شد):
- ۱- محدود بودن و منظم بودن ساعات کار. برای احتراز از روبرو بودن با مواد بیهوشی که سمی هستند و سلامت متخصص بیهوشی را بخطر میاندازند پیشنهاد میشود که هر متخصصی در هفته سه روز کار تخصصی به تناوب انجام دهد و این برنامه را باید با همکاری سایر متخصصین بیهوشی ترتیب داد.
 - ۲- کار کردن حتی الامکان در میستم کاملاً بسته.
 - ۳- در صورت امکان، تغییر ماده بیهوشی و احتراز از استعمال اتر.
 - ۴- مرخصی اجباری هر شش ماه پانزده روز.
- با این ترتیب با جلوگیری از تجمع بخارات اتر در بدن متخصصین بیهوشی که با در معرض خطر قرار دادن خود به منوعان دردمند خود خدمت میکنند از ابتلاء این دسته از اطباء به عوارض ناشی از استنشاق روزه‌آتر جلوگیری میشود.